

عنوان:

جنسیت و تأثیر آن در قصاص نفس

محقق:

الهام فتحی

فارغ التحصیل سطح ۲ حوزه

چکیده

قصاص در واقع اجرای مجازاتی برابر عمل جانی، چه به صورت قتل نفس باشد یا جرح و یا قطع عضو، به نحوی که درست همان کاری با جانی به عمل آید که او با مجنی علیه صورت داده است و موجب قصاص نفس هم بیرون کردن جان بی‌گناه است عمداً به وسیله‌ی ایزاری که غالباً تلف‌کننده است.

مشهور فقهای شیعه و اهل سنت شهادت زنان را برای اثبات قتل عمد و حکم به قصاص نپذیرفته‌اند و در میان شیعه مخالفت خاصی با کلیت این مسأله به چشم نمی‌خورد. از میان اهل سنت هم، عطا و حماد با نظر مشهور مخالفت کرده و شهادت زنان را منضم به شهادت یک مرد در قتل عمد پذیرفته‌اند.

اما در مسأله‌ی قسامه مشهور فقهای امامیه، اجرای قسامه از سوی زنان را نپذیرفته‌اند، از طرف دیگر، جمهور فقهای اهل سنت (مالکیه، شافعیه، حنبلیه) قسامه‌ی زنان را برای اثبات دعوی قتل عمد در صورتی که مقصود از اثبات قتل عمد، گرفتن دیه باشد، پذیرفته‌اند. اما قسامه‌ی زنان را برای ثبوت قصاص اجازه نداده‌اند. حنفیه به علت نگاه خاصی که به قسامه دارد معتقد است که قسامه، مفید انکار قتل است و برای اثبات قتل عمد کاربرد ندارد.

فقهای شیعه معتقدند در صورتی که بخواهیم مردی را به خاطر قتل زنی قصاص نماییم، باید نخست، اولیای زن مقتول، نصف دیه‌ی کامل را به عنوان ما به التفاوت دیه‌ی این دو به اولیای مرد بپردازند و سپس قصاص را جاری کنند و احدی از فقهای شیعه نسبت به این حکم مخالفتی نکرده است.

از طرف دیگر تمامی فقهای مذاهب اهل سنت نیز متفق القولند که مرد در برابر زن قصاص می‌شود و چیزی به عنوان ما به التفاوت دیه لازم نیست و احدی از فقهای اهل سنت نیز نظری مخالف با این حکم ارائه نداده، الاّ این که گاهی به بعضی از فقهای اهل سنت از جمله جناب شافعی و مالکی نسبت‌هایی در این زمینه داده شده است.

اما نسبت به مسأله‌ی قصاص زن در برابر مرد شیعه و سنی آن را اجازه داده و شیعه هم معتقد است که علاوه بر قصاص، رد فاضل دیه به خانواده‌ی مرد لازم نیست.

واژگان کلیدی: جنسیت، قصاص، اقرار، قسامه، شهادت

زن موجودی است مختار، دارای هوش و آگاهی و خداوند متعال او را آفرید تا نیمی از بار رسالت انسانیت را به دوش گیرد اما با وجود این در طول تاریخ به زن ستم هایی شده است و با کمال تأسف امروزه هم در قالب مدرن و به عنوان دفاع از حقوق و آزادی زن و حمایت از جامعه زنان و مساوات و برابری میان زنان و مردان به مراتب بیش از گذشته به این موجود ارزشمند آفرینش ستم می شود.

در اسلام، زن از نظر شرافت و حیثیت انسانی با مرد برابر می باشد اما نوع حقوق و مجازات آنها با هم تفاوت دارد یعنی در اسلام تساوی هست اما تشابه نیست به عبارت دیگر اسلام با تساوی موافق و با تشابه مخالف است همین نگرش اسلام موجب شده است که مرد و زن حقوق، تکلیف و مجازات های متفاوتی داشته باشند، علی رغم این که اسلام همواره کوشیده است زن را موجودی همسان و هم شأن مرد معرفی نماید و زن را از حصار جاهلیت قدیم و جدید برهاند، اما امروزه نظریه مترقی اسلام با چالش های جدی روبه رو شده است. کسانی که در گذشته هیچ گونه حقی برای زن قایل نبودند امروز تلاش می کنند با طرح جریان های فمینیسمی احکام متفاوت اسلام را به معنای کم انگاشتن ارزش زن نسبت به مرد تلقی نمایند.

از جمله آن احکام تفاوت زن و مرد در قصاص است زیرا در اسلام اگر زنی، مردی را به قتل برساند قصاص می شود اما اگر مردی زنی را به قتل برساند در صورتی قصاص می شود که اولیای زن نصف دیه مرد را به اولیای مرد بپردازند.

در این مقاله تلاش شده است تا از نگاه فقه عامه و امامیه مسأله تفاوت زن و مرد در قصاص بررسی گردد.

مبادی بحث:

أ. تعریف و تبیین موضوع

اختلاف در احکام میان زنان و مردان چیزی است که در اکثر ادیان وجود داشته که ناشی از تفاوت‌های ذاتی میان آن دو است وجود چنین اختلافاتی در بعضی از احکام میان زن و مرد گاهی کاملاً طبیعی و ضروری به نظر می‌رسد، در بعضی از موارد هم این اختلافات چندان مسأله‌ساز نیست ولی گاهی به نظر می‌رسد که این تفاوت‌ها مسأله‌ساز شده و این توهّم را در اذهان تقویت می‌کند که تفاوت قابل شدن میان این دو، با حقوق انسانی و یا اصل عدالت چندان سازگار نیست و یا حداقل جامعه چنین احساس یا نگرشی را نسبت به آن پیدا می‌کند.

برابری ارزش انسان‌ها و حرمت جان و حق مشترک حیات میان انسان‌ها چیزی است که انسان احساس می‌کند بالفطره بدان معتقد است و آن را لازمه‌ی عدالت می‌داند اما از طرفی مشاهده می‌کنیم که یک اجماع فقهی بسیار قوی در میان فقهای شیعه وجود دارد مبنی بر این که، اگر مردی، مرتکب جنایت و قتل نفس بر زنی شود، قصاص وی متوقف به پرداخت مبلغ کلانی به عنوان ما به التفاوت دیه‌ی او، با دیه‌ی زنی است که کشته شده است و نتیجه‌ی عملی چنین حکمی آن است که بسیاری از خانواده‌های مقتولین به علت ناتوانی در پرداخت این ما به التفاوت دیه، از حق اجرای مجازات نسبت به قاتل محروم شوند. این سؤال بود که به شکل جدی در ذهن من ایجاد شد و نگارش این تحقیق با همین انگیزه صورت پذیرفت.

ب. شناخت مفاهیم

۱ - جنسیت:

برداشتی اجتماعی _ فرهنگی از زن و مرد است. «آنتونی، گیدنز، تجدد و تشخص (جامعه و هویت شخصی در عصر جدید)، ترجمه ی ناصر موفقیان، نشر نی، تهران، ۱۳۸۳.»
البته در این مقاله منظور از جنسیت زن بودن یا مرد بودن است.

۲- اقرار:

مصدر باب افعال به معنای اعتراف است و در اصطلاح فقه عبارت است از اخبار به حقی به نفع دیگری و به ضرر خود.. «گروه مطالعات اسلامی دایرة المعارف انسان شناسی، فرهنگ اصطلاحات فقهی، ص ۲۶»

۳- قسامه:

سوگند خوردن ، در فقه سوگند هایی است که اولیای دم جهت اثبات دعوی خود باید به جا آورند. با قسامه قتل ثابت می شود. «حسین، مروج، اصطلاحات فقهی، ص ۴۰۲»

۴- شهادت:

حضور یافتن، چیزی را مشاهده کردن، در فقه آن است که غیر حاکم خبر دهد از حقی به نفع شخص دیگر و اخبارش قطعی و بدون تردید باشد. «حسین، مروج، اصطلاحات فقهی، ص ۲۹۹»

۵- قصاص:

قصاص اسم مصدر از (قص) به معنای متابعت یا مصدر باب مفاعلة به معنای عمل مقابله به مثل است و در اصطلاح شرع اسم است برای استیفاء همانند جنایت انجام شده توسط اولیای دم از قبیل قتل، قطع، ضرب و جرح. «گروه مطالعات اسلامی دایرة المعارف انسان شناسی، فرهنگ اصطلاحات فقهی، ص ۱۴۴»

کیفر جانی را از این جهت قصاص می گویند که جنایت جانی به منظور اجرای مانند آن علیه وی دنبال می شود و به عبارت دیگر قصاص کننده جنایتکار را تعقیب و مانند آن کاری که کرده بر او انجام می دهد. (فخر الدین محمد، طریحی، مجمع البحرین، ص ۲۸۰)

حقوق دانان اسلامی با توجه به مفهوم لغوی قصاص آن را استیفاء اثر جنایت تبهکار تعریف کرده اند. (محمد حسن، نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۴۱، ص ۲)

شهید ثانی در تعریف قصاص آورده است: «و هو اسمٌ لإستیفاء مثل الجنایة من قتل، أو قطع، أو ضرب، أو جرح، و أصله اقتضاء الأثر، قصاص اسم است برای انجام دادن مثل جنایتی که انجام شده است، مانند: کشتن، بریدن، زدن یا مجروح کردن و ریشه ی آن به معنای پیروی کردن از اثر است. «زین الدین بن علی، العاملی الجبلی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة، ج ۲، ص ۳۹۶»

دست نیست که این عمومات را تخصیص بزند و از طرف دیگر بتواند با سایر روایات که مؤید این عمومات اند مقابله نمایند.

« الحر بالحر » (۱۷۸ / بقره) طریقه ی استدلال به این آیه آن است که اطلاق آیه دلالت بر آن دارد که مرد در برابر حر قصاص می شود ، چه مرد حر باشد و چه زن حر ، نبودن «ة» تأنیث مانع از اشتراک زنان در این حکم نیست زیرا به قرینه ی « العبد بالعبد » متوجه می شویم ، در این جا مطلق حریت ملاک است یعنی آن چه مهم است آن است که عبد در مقابل حر قصاص نمی شود ، به بیان دیگر شاید اگر قرینه ی العبد بالعبد موجود نبود می توانستیم ادعا کنیم که مذکر بودن لفظ الحر موضوعیت داشته و مراد متکلم بوده است ، اما هنگامی که این دو کلمه در کنار یکدیگر استعمال شوند ، چنین تصویری صحیح به نظر نمی رسد . « وهبه ، الزحیلی ، الفقه الاسلامی و ادلته ، ج ۶ ، ص ۲۷۰ .» استدلال به عبارت « الانثی بالانثی » (بقره / ۱۷۸) یکی از کلیدی ترین آیاتی است که هر دو گروه (شیعه و عامه) به آن توجه دارند .

جمهور فقهای عامه معتقدند این آیه در مقابل عمل عده ای از قبایل عرب نازل شد ، زیرا این قبایل به بهانه ی وجود شرافت و برتری خویش مدعی بودند که در برابر هر زنی از قبیله ی ما که کشته شده می بایست یک مرد از قبیله ی قاتل کشته شود . بنابراین آیه ی شریفه ، صرفاً بیانگر آن است که در مسأله ی قصاص زیاده خواهی نکنید و به قتل و قصاص زن در برابر زن راضی شوید ولی نمی خواهد حکم نماید که اگر مردی زنی را به قتل رساند نباید در مقابل کشته شود . « محی الدین بن شرف ، النوری ، المجموع فی شرح المذهب ، ج ۱۸ ، ص ۳۵۰ .»

نقد : استدلال به آیه ی « ان النفس بالنفس » صحیح نیست زیرا اولاً روایاتی وجود دارد که عموم این آیه را تخصیص می زند و همان طور که دیدیم عامه هم در مبحث قبلی این روایات را در مورد قصاص مرد در برابر زن یارآور شدند پس چه طور این روایات را قبول ندارند و ثانیاً این آیه صرفاً در مقام تشریع حکم قصاص نفس است و در مقام بیان حکم قصاص مرد در برابر زن و ... نیست .

استدلال به آیه ی « الحر بالحر و العبد بالعبد و الانثی بالانثی » نیز صحیح نیست چون قدر متیقن از آیه ی مذکور اشتراط تماثل در وجوب قصاص است . بنابراین واجب نیست که آزاد در مقابل عبد و مرد در مقابل زن قصاص شود به عبارت ساده تر وجوب این امر یعنی وجوب قصاص مرد در مقابل عبد و مرد در مقابل زن را از آیه ی مذکور نمی توان استخراج کرد و نیاز به دلیل خارجی دارد .

استدلال به شأن نزول آیه هم صحیح نیست چون با توجه به شأن نزول آیه در صدد بیان این است که در
مسأله ی قصاص زیاده خواهی نکنید و حکم قصاص مرد در برابر زن را بیان نمی کند.

نتیجه‌گیری:

- ۱- شرط تحقق قصاص برای اولیای دم منوط به رعایت شرایطی است از جمله، تساوی در حریت رقیّت، تساوی در دین، انتفاء ابوّت از طرف قاتل، بلوغ و عقل قاتل و معصوم الدم بودن مقتول.
- ۲- مشهور فقهای شیعه و اهل سنت شهادت زنان را برای اثبات قتل عمد و حکم قصاص نپذیرفته‌اند.
- ۳- مشهور فقهای امامیه، اجرای قسامه از سوی زنان را برای اثبات قتل عمد نپذیرفته‌اند ولی جمهور و فقهای اهل سنت قسامه‌ی زنان را برای اثبات دعوی قتل عمد در صورتی که مقصود از اثبات قتل عمد، گرفتن دیه باشد، پذیرفته‌اند.
- ۴- از دیدگاه فقهای شیعه و سنی اگر زنی مردی را به قتل برساند لازم نیست ما به التفاوت دیه پرداخت شود وزن توسط خانواده‌ی مقتول قصاص می‌شود.
- ۵- از دیدگاه فقهای امامیه در صورتی که مردی زنی را به قتل برساند، اولیاء مقتول فقط در صورت پرداخت ما به التفاوت دیه‌ی مرد به خانواده‌ی قاتل می‌توانند آن مرد را قصاص نمایند.
- ۶- از دیدگاه فقهای عامه مرد را در برابر زن قصاص می‌کند و رد فاضل دیه هم لازم نیست.
- ۷- از بیان فقهای شیعه و عامه مشخص می‌شود که اختلاف عامه با شیعه در مسأله‌ی قصاص مرد در برابر زن صرفاً ناشی از تأثیر جنسیت در قصاص نیست بلکه، ناشی از مبانی و اصولی است که در فقه آن‌ها متفاوت است که اختلاف در این مسأله یکی از مظاهر آن تفاوت‌هاست. یعنی در واقع آن چه مؤثر است اختلاف در دیه است، زیرا مشاهده می‌کنیم که شیعه در صورت وجود تفاوت قیمت یا دیه، قائل به رد فاضل دیه است، در حالی که عامه در این مسأله اختلاف دیه را مؤثر در مسأله‌ی قصاص ندانسته‌اند و توجهی بدان نمی‌کنند.

منابع و مأخذ

- ۱ - قرآن کریم ، ترجمه ی مهدی الهی قمشه ای ، قم ، دفتر نشر اسلامی ، ۱۳۸۲ ه.ش
- ۲ - آلوسی بغدادی ، محمد ابن عبدالله ، تفسیر روح المعانی ، بیروت ، دارالفکر ، ۱۳۹۸ ه.ق.
- ۳ - ابوالفتح رازی ، حسین بن علی ، تفسیر روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن ، با تصحیح مهدی الهی قمشه ای ، انتشارات آستان قدس رضوی ، ۱۳۲۰ ه.ش.
- ۴ - ابوالفتح رازی ، حسین بن علی ، تفسیر ابوالفتح رازی ، کتابفروشی اسلامیه ، ۱۳۹۸ ه.ق
- ۵ - الجزیری ، عبد الرحمن ، الفقه علی المذاهب الاربعه ، بیروت ، دار الإحياء التراث ، ۱۳۹۲ ه.ق.
- ۶ - حلی ، یوسف بن مطهر ، مختلف الشیعه فی احکام الشریعه ، بی جا ، مرکز الابحاث و الدراسات الاسلامیه ، چاپ اول ، ۱۴۱۷ ه.ق.
- ۷ - خوئی ، ابو القاسم ، مبانی تکملة المنهاج ، قم ، مؤسسه ی العلمیه ، ۱۳۹۶ ه.ق.
- ۸ - رهبر ، محمد تقی ، قصاص رمز زندگی ، تهران ، واحد تحقیقات اسلامی ، بنیاد بعثت ، ۱۳۶۰ ه.ش.
- ۹ - الزحیلی ، وهبه ، الفقه الاسلامی و ادلته ، دمشق ، دار الفکر ، ۱۴۱۸ ه.ق.
- ۱۰ - زیدان ، عبد الکریم ، المفصل فی احکام المرأة و البيت المسلم فی الشریعه الاسلامیه ، بیروت ، مؤسسه ی الرساله ، ۱۴۲۰ ه.ق.
- ۱۱ - السرخسی ، شمس الدین ، المبسوط ، بیروت ، دار المعرفه ، چاپ سوم ، ۱۴۰۹ ه.ق.
- ۱۲ - السيوري ، جمال الدين مقداد ، كنز العرفان فی فقه القرآن ، قم ، انتشارات المكتبة المرتضويه ، ۱۳۴۳ ه.ق.
- ۱۳ - الشافعی ، محمد بن ادريس ، الام ، بیروت ، دار المعرفه ، ۱۳۹۳ ه.ق.
- ۱۴ - شریف لاهیجی ، محمد بن علی ، تفسیر شریف لاهیجی ، تهران ، دفتر نشر داد ، ۱۳۴۰ ه.ش.
- ۱۵ - شیرى ، عباس ، حقوق جزای اسلامی (ترجمه ی کتاب شرایع الجنائی الاسلامی) ، تهران ، نشر میزان ، ۱۳۷۳ ه.ش.

- ١٦ - طباطبائي، محمد حسين، الميزان في تفسير القرآن، ترجمه‌ی محمد باقر موسوی همداني، قم، دار العلم، ١٣٤٦ هـ.ش.
- ١٧ - الطبرسي، ابو الفضل ابن الحسن، مجمع البيان في تفسير القرآن، تهران، مكتبة العلمية الاسلامية، بی تا.
- ١٨ - طريحي، فخر الدين محمد، مجمع البحرين، بيروت، مؤسسه‌ی الوفاء، ١٤٠٣ هـ.ق.
- ١٩ - الطوسي، ابی جعفر محمد بن الحسن، الخلاف، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ١٤١٦ هـ.ق.
- ٢٠ - العاملي الجبلي، زين الدين بن علي، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، تهران، مكتبة العلمية الاسلامية، ١٤١٠ هـ.ق.
- ٢١ - علم الهدی، مرتضی، الانتصار، نجف، منشورات المطبعة الحيدرية، ١٣٩١ هـ.ق.
- ٢٢ - قدامه، عبد الله بن احمد، المغنی على مختصرويليه الشرح الكبير على متن المقنع، بی-جا، دار الكتاب العربي، ١٤٠٣ هـ.ق.
- ٢٣ - القرطبي، محمد بن رشد، بداية المجتهد و نهاية المقتصد، بی جا، دار المعرفة، ١٤٠٩ هـ.ق.
- ٢٤ - گیدنز، آنتونی، تجدد و تشخص جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه‌ی ناصر موفقیان، تهران نشر نی ١٣٨٣
- ٢٥ - گروه مطالعات اسلامی دائرةالمعارف انسان شناسی، فرهنگ اصطلاحات فقهی، تهران، مؤسسه‌ی پژوهشی ابن سینا، ١٣٧٧ هـ.ش.
- ٢٦ - مروج، حسین، اصطلاحات فقهی، قم، نشر بخشایش، ١٣٧٩ هـ.ش.
- ٢٧ - الموسوی الخمينی، روح الله، تحرير الوسیله، ج ٢، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ١٣٦٥ هـ.ق.
- ٢٨ - موسوی اردبیلی، عبد الكريم، فقه القصاص، قم، مكتبة امير المؤمنين، ١٤١٦ هـ.ق.
- ٢٩ - ناصرزاده، هوشنگ، قانون مجازات اسلامی، حدود، قصاص، دیات، مصوب ١٣٧٥/٣/٢ هـ.ش.
- ٣٠ - النوری، محی الدین بن شرف، المجموع فی شرح المذهب، دمشق، انتشارات دارالفکر،
- ٣١ - نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، نجف، دار الكتاب الاسلامیه، چاپ مروی، ١٣٦٥ هـ.ق.
- ٣٢ - مفید، محمد بن محمد بن النعمان، المقنعه، قم، مؤسسه‌ی نشر اسلامی، ١٤١٠ هـ.ق.